

توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی

دکتر شهناز طباطبایی^۱

دکتر سیمین حسینیان^۲

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی انجام شده است. با توجه به اینکه توانمندسازی یکی از مهمترین ویژگی‌هایی است که می‌تواند بر اشتغالزایی مؤثر واقع شود، از این رو، تحقیق حاضر در این راستا صورت گرفته و با ارائه آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار درصدد است تا اثرات آن را در توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی تعیین نماید. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴۰۰۰ نفر است که ۱۰ درصد آن یعنی ۱۴۰۰ نفر به عنوان گروه نمونه اولیه در نظر گرفته شد، سپس ۷۰۰ نفر از بین آن‌ها به‌طور تصادفی از شمال، جنوب، شرق و غرب شهر تهران انتخاب شدند و پیش‌آزمون برای آن‌ها اجرا شد، ۳۵۰ نفر که پایین‌ترین نمرات را در آمادگی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بدست آوردند به عنوان گروه نمونه تحقیق (۱۷۵ نفر بعنوان گروه آزمایشی و ۱۷۵ نفر بعنوان گروه کنترل) در نظر گرفته شدند.

ابزار تحقیق شامل چهار پرسشنامه محقق ساخته به نام‌های: (۱) اطلاعات فردی - شغلی؛ (۲) آمادگی شغلی؛ (۳) مهارت‌های کسب و کار (دارای چهار زیرمقیاس انگیزه پیشرفت؛ ارزیابی عادات کاری؛ گرایش‌های کارآفرینی؛ و تمایلات کسب و کار)؛ (۴) توانمندسازی (با سه زیرمقیاس فردی، اجتماعی و اقتصادی) می‌باشد. روش‌های آماری بکار گرفته شده آزمون t همبسته، t مستقل و $MANCOVA$ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار (در گروه آزمایش) مؤثر بوده و منجر به افزایش توانمندی آن‌ها ($\alpha = 0/01$) شده است. علاوه بر این، مشخص گردید که در پیش‌آزمون تفاوت چندانی بین دو گروه (آزمایش و کنترل) مشاهده نمی‌شود، ولی در پس‌آزمون نمرات گروه آزمایش بالاتر از نمرات گروه کنترل ($\alpha = 0/01$) می‌باشد که این امر در نتیجه ارائه آموزش مهارت‌های شغلی و کسب و کار است. بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی مؤثر است و باعث افزایش توانمندی آن‌ها در ابعاد فردی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. از این رو، توسعه و ترویج اینگونه برنامه‌های آموزشی برای شهروندان زن جویای کار توصیه می‌گردد و در تحقیقات بعدی پیشنهاد می‌شود که اثرات این برنامه‌های آموزشی بر توانمندسازی شهروندان مرد جویای کار تهرانی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. استادیار دانشکده سلامت، ایمنی و محیط زیست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

۲. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س).

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، شهروندان، جویای کار.

مقدمه:

توانمندسازی به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع و کسب منافع برای زنان اطلاق می‌شود. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت کرده و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در تعیین سرنوشت خود می‌شود این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری‌های بنیادی است. توانمندسازی یک زن به این مفهوم است که او برای انجام برخی کارها توانایی جمعی پیدا می‌کند و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود و با در مقابله با تبعیض‌های جنسیتی در جامعه مؤثر واقع می‌شود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲).

توانمندسازی از نظر تاریخی به عقاید و ابتکاراتی مانند درگیر شدن ذهنی و عاطفی زنان در کار، مدیریت مشارکتی، برنامه‌های پیشنهادی زنان، دوایر کیفیت و ابتکارات توسعه‌ای مربوط می‌شود.

مفهوم آماده‌سازی شغلی و کسب و کار، در جوامع مختلف با خصلت‌های فرهنگی و رفتاری گوناگون متنوع می‌باشد. در عین حال، آنچه بایستی مورد توجه قرار گیرد درک عواملی چون عقاید اجتماعی، هنجارها، پاداش رفتارها، آرمانهای فردی و ملی، مکاتب دینی و تعلیم و تربیت است (مک گوایر، ۱۹۶۲؛ به نقل از احمدپور داریانی، ۱۳۸۰).

در آموزش‌های مرتبط با آماده‌سازی شغلی به شهروندان زن جویای کار آموزش داده می‌شود تا در برخورد با چالش‌های زندگی چگونه از فرآیندهای حل مسئله استفاده کنند، چگونه به خود و ذهن خود اعتماد کنند و از خود باوری کافی برخوردار گردند، در عین حال که از اطلاعات بازار کار و سایر امور شغلی و حرفه‌ای موجود در محیط پیرامون خود نیز مطلع می‌گردند (طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۳).

در آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های کسب و کار به گروه هدف (شهروندان زن جویای کار) فرصت داده می‌شود تا علاوه بر شناسایی توانایی‌ها، قابلیت‌ها و علائق خود، اطلاعاتی در زمینه مشاغل و فعالیت‌های مورد علاقه خود به‌طور هدفمند کسب کنند و سپس در راستای خودسازی از آن بهره‌مند شوند. در جریان آموزش، جنبه‌هایی چون: انگیزه‌های شغلی، خلاقیت و نوآوری در افراد تحت آموزش شناسایی و تقویت می‌شود. چگونگی آگاهی از اطلاعات بازار، جمع‌آوری اطلاعات بازار، چگونگی شناسایی فرصت‌های شغلی، کاری و تجاری موجود در محیط و کسب این فرصت‌ها برای راه‌اندازی کسب و کار فردی در مقیاس‌های خرد، کوچک و متوسط و بالاخره تهیه و تدوین حداقل دو طرح کسب و کار (*Business Plan*) در طی دوره آموزش به آزمودنی‌ها (طباطبایی و حسینیان، ۱۳۸۴).

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین الزامات برای ورود شهروندان زن جوینده کار به بازار کار، داشتن آمادگی شغلی و برخورداری از مهارت کسب و کار و خلاقیت و نوآوری است. به‌کارگیری آموزش، استدلال و هدایت‌ها، مستقیم و غیرمستقیم، از جمله راهکارهایی است که با استفاده از آن می‌توان با حفظ سلامت عاطفی و عمومی، خویشتن‌پنداری مثبت، فس و اعتمادبه‌نفس را برای شهروندان زن جویای کار به ارمغان آورد. از آنجا که مهارت کسب و کار نیروی هدایت‌کننده برای بنیان‌گذاری ایده‌های تجاری، بسیج نیروهای انسانی، منابع مالی و فیزیکی، ایجاد و توسعه‌ی بنگاه‌های تجاری و اشتغال‌زایی است، در تمامی کشورها، پهنه‌ی وسیعی از مشاغل به وسیله‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش خصوصی - مشتمل بر شرکت‌های تعاونی - ایجاد شده است. هدف عمده‌ی این‌گونه تجارت‌ها یا کسب‌وکارها، کمک به‌ایجاد مشاغل است (دفتر بین‌المللی کار، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷).

ابهامات فراوانی پیرامون نقش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار وجود دارد. همواره یکی از چالش‌های اصلی ارگان‌های اجرایی کشور از جمله وزارت کار و امور اجتماعی این است که فعالیت‌های بخش‌های گوناگون سیستم را به گون‌های طراحی کنند که بتوانند در دنیای پرتحول امروز، توانمندسازی شهروندان زن را افزایش داده و در این راستا از آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار به عنوان ابزاری مؤثر استفاده نمایند. در حال حاضر، بسیاری از تلاش‌هایی که در زمینه توانمندسازی شهروندان زن جویای کار صورت می‌گیرد، با عدم موفقیت روبروست؛ زیرا تولید فکر و خلاقیت، هماهنگی با این تغییرات و ایجاد تغییرات نو، نیاز به توانمندی ویژه‌ای در حیطه‌های گوناگون، با استفاده از آماده‌سازی شغلی و کسب و کار دارد و بهره‌مندی از آن‌ها منجر به بهبود مستمر عملکرد، ارتقاء صلاحیت، تغییر در رفتار و در نهایت توانمندسازی شهروندان زن می‌شود.

بنابراین، به منظور توانمندسازی شهروندان زن جویای کار، می‌بایست شیوه‌هایی را برای کشف شایستگی افراد به منظور توسعه‌ی توانمندی‌ها

و به حداکثر رساندن فرصت‌ها ایجاد نمود که در این میان استفاده از آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و کسب و کار جهت توانمندسازی شهروندان زن جویای کار، بی‌تأثیر نیست. از این رو مطرح می‌شود، امروزه به دلیل تأثیر فراوانی که آمادگی شغلی و مهارت کسب و کار بر توانمندسازی افراد جویای کار دارد، به عنوان یکی از عوامل کلیدی در برنامه ارگان‌های اجرایی کشور از جمله وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته و به‌طور مستمر و جدی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این راستا تحقیقات فراوانی نیز صورت گرفته است.

طبق گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۰)، توزیع نسبی شاغلان بر حسب جنس، سن و وضع سواد و سطح تحصیلات، از نمونه کل کشور (مردان و زنان) که ۸۱/۶۸ درصد می‌باشد نشان دهنده آن است که مردان و زنان دارای تحصیلات ابتدایی ۲۵/۰۳، دارای تحصیلات راهنمایی ۱۹/۱۲، متوسطه ۶/۳۷، دیپلم و پیش دانشگاهی ۱۶/۱۳، عالی ۱۰/۶۸، حوزه‌های علمیه ۰/۲۴، سوادآموزی ۲/۸۶، آموزش‌های غیررسمی ۱/۲۳، اظهار نشده ۱/۰۱ و بیسواد ۱۸/۳۲ از کل شاغلین را تشکیل می‌دهد. در مقایسه بین مردان و زنان، نرخ جمعیت مردان شاغل دارای مدرک دیپلم و پیش‌دانشگاهی ۱۶/۲۵ درصد، عالی ۹/۰۷، و بیسواد ۱۷/۲۴ درصد است؛ در حالی که نرخ جمعیت زنان شاغل دارای مدرک دیپلم و پیش‌دانشگاهی ۱۵/۴۴ درصد، عالی ۲۰/۰۸ درصد و بیسواد ۲۴/۶۳ درصد است.

آمار فوق، بیانگر آن است که مردان شاغل غالباً در سطح تحصیلات دیپلم و پیش‌دانشگاهی هستند، درصد شاغلین دارای تحصیلات عالی در میان آن‌ها در مقایسه با زنان بسیار کمتر است، و نرخ بیسوادی در میان آن‌ها کمتر از زنان است. برعکس، درصد زنان شاغل در سطح دیپلم و پیش‌دانشگاهی در مقایسه با مردان کمتر است، ولی درصد زنان شاغل دارای تحصیلات عالی در مقایسه با مردان خیلی بیشتر است (۲۰/۰۸ درصد زنان در مقابل ۹/۰۷ درصد مردان)، متأسفانه درصد زنان شاغل بیسواد بیشتر از مردان شاغل بیسواد بوده است (۲۴/۶۳ درصد زنان در مقابل ۱۷/۲۴ درصد مردان). بنابراین، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ها می‌بایست از یک سو به افزایش سطح سواد زنان کم سواد جویای کار (از طریق نهضت سوادآموزی یعنی در سطح ابتدایی و راهنمایی تحصیلی) و ارتقاء سطح آماده‌سازی شغلی و کسب و کار آنان و از سوی دیگر در جهت ایجاد فرصت‌های شغلی لازم برای زنان تحصیلکرده جویای کار معطوف گردد.

براساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، شاخص‌ها و نماگرهای نیروی کار در جمعیت ۱۰ سال و بیشتر نشانگر نرخ کل فعالیت ۳۷/۰۸ درصد است و مردان ۶۱/۴ درصد و زنان ۱۳/۹ را به خود اختصاص داده‌اند.

سهم اشتغال ناقص ۷/۹ درصد، نرخ کل بیکاری ۱۱/۹ درصد، نرخ بیکاری مردان ۱۰/۸ درصد، نرخ بیکاری زنان ۱۶/۷ درصد و نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۳۵/۶ درصد است. از این رو، می‌توان نتیجه گیری کرد که می‌بایست برای زنان بیکار (جویای کار) که دارای تحصیلات دیپلم به بالا هستند، برنامه‌ریزی و سیاست گذاری کرد. همچنین، برای زنان جوان تحصیل کرده در مقطع سنی ۱۵ تا ۲۴ سال که بیشترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند و معضل اصلی کشور می‌باشند، می‌بایست برنامه‌ریزی و سیاست گذاری‌های جدی را به عمل آورد.

حضور کم‌رنگ زنان (بویژه دانش‌آموختگان) بعنوان نیمی از اعضای جامعه (۴۹٪ از کل جمعیت کشور) در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، وجود تعداد بی شماری از زنان جامعه ی ایران در طیف وسیع فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمبود خودباوری، اعتماد به نفس و عزت نفس در میان آنان برای مشارکت در فعالیتهای مختلف اجتماعی، فقدان آگاهی و دانش آنان از اطلاعات بازار کار، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، شرایط محیط کار، قانون کار و از همه مهم تر عدم آشنایی و اطلاع آنان از مفاهیم کسب و کار و کارآفرینی و اهمیت و ضرورت این پدیده‌ی جدید در رشد اقتصادی کشور و تغییر روند حرکت جامعه از دانش محوری به تولید محوری از عمده ترین و اصلی ترین مباحث مربوط به زنان است (مرکز ملی آمارهای آموزشی، ۲۰۰۲).

پیشینه تحقیق

ایران:

◀ طباطبایی (۱۳۸۲) به بررسی تفاوت‌های موجود در عزت نفس زنان (سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) و مردان (شاغل و بیکار) شهر تهران پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که:

- ۱- زنان (اعم از سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) در مقایسه با مردان از سطح عزت نفس پایین تری برخوردار هستند.
- ۲- افزون بر آن، زنان شاغل (سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) عزت نفس بالاتری نسبت به زنان بیکار (سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) دارند.

غیرسرپرست) دارند.

۳- زنان بیکار (اعم از سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) توانایی‌های حرفه‌ای کمتری نسبت به زنان شاغل دارا بوده و میزان آگاهی‌های آنان از اطلاعات بازار کار بسیار اندک است.

۴- زنان بیکار «با طول دوره بیکاری طولانی ۳ سال و بیشتر» عزت نفس پایینی داشتند که همین امر، سبب ایجاد چرخه معیوبی می‌شود که به دنبال خود کاهش انگیزه‌های زنان را جهت کسب مهارت‌های حرفه‌ای، جستجوگری شغل و عدم فعالیت برای راه‌اندازی کسب و کار کوچک به صورت خوداشتغال یا احداث بنگاه کارآفرینی به صورت کارآفرین را دارد.

نتیجه‌گیری می‌کند که آموزش‌های روان‌شناسی، اطلاع‌رسانی بازار کار، هدایت و راهنمایی شغلی زنان بیکار برای شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای و تلاش برای راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک یا ایجاد یک مؤسسه‌ی کوچک کارآفرینی می‌تواند در افزایش عزت‌نفس زنان بیکار (سرپرست‌خانوار و غیرسرپرست) و بالا بردن انگیزه‌های آنان جهت جستجوگری شغل مفید و مؤثر واقع شود.

◀ طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۳)، به مطالعه تأثیر آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) بر عزت نفس زنان سرپرست خانواده (تحت پوشش یکی از سازمان‌های غیردولتی تحت عنوان «کانون کارآفرینان مهر») پرداختند. جامعه‌ی آمار پژوهش مزبور شامل کلیه زنان سرپرست‌خانوار حرفه آموز «کانون مهر» (۲۵۰ نفر) بود که تحت آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) به مدت ۱۰ جلسه (۲ ساعته) قرار گرفتند. نتیجه‌ی پژوهش انجام شده نشان داد که عزت نفس زنان سرپرست خانواده پس از آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) افزایش یافته است.

◀ طباطبایی (۱۳۸۴)، در «بررسی اثرات آموزش‌های آگاه‌سازی فردی و شغلی و کارآفرینی بر عزت نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده شهر تهران» با ملاحظه بر شرایط اشتغال، تحصیلات و نوع سرپرستی آن‌ها با رویکرد توانمندسازی، نتیجه‌گیری می‌کند که: ۱- آگاه‌سازی و کارآفرینی دو عامل مهم و اثرگذار بر عزت نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانوار می‌باشند.

۲- زنان سرپرست‌خانوار شاغل، اکثراً در بخش‌های غیررسمی، با شرایط محیطی سطح پایین و با درآمد بسیار کم مشغول به کار هستند و هر دو گروه زنان سرپرست‌خانوار (شاغل و بیکار) از فقر، تنگدستی و شرایط نامناسب زندگی رنج می‌برند.

۳- از این رو، پیشنهاد می‌کند برنامه‌های حمایتی زنان، از دو بعد مختلف آموزش و اشتغال، به ویژه در قالب آموزش‌های مورد نیاز بازار کار تدوین و اجرا گردد و وام‌های اشتغال‌زا به شکل تسهیلات اعتباری به میزان کافی برای راه‌اندازی کسب و کار در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

سایر کشورها

اوگاندا

سازمان سوآ – اوگاندا در سال ۱۹۹۶ پروژه «فناوری اطلاعات و ارتباطات» (ICT) را برای توانمندسازی زنان کشور اوگاندا برنامه‌ریزی نمود و این پروژه زنان شهری و روستایی را که در اداره امور زندگی خود، توانایی کمتری داشتند را تحت پوشش قرار داد و توانمند نمود.

اوکراین

برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۹، طرحی را تحت عنوان «حمایت از زنان کشاورز» در اوکراین آغاز کرده بود. این برنامه برای کمک به «آموزش زنان در مناطق روستایی» برای جهت‌یابی آن‌ها در محیط بازار، فعال‌سازی مؤسسه کارآفرینی روستایی زنان برای تسهیل برنامه‌های توسعه در بخش خصوصی با استفاده از فناوری اطلاعات (IT) طراحی شده بود.

هند

برمان و همکاران (۱۹۹۷)، در کشور هندوستان پژوهشی تحت عنوان «تأثیر شاغل بودن زنان، بر مراقبت از کودکان و مقایسه سلامتی کودکان آن‌ها با کودکان زنان خانه دار» انجام دادند و نتیجه‌گیری کردند که: اشتغال زن نه تنها باعث توانمندسازی وی از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌گردد، بلکه در سلامت خانواده نیز تأثیر بسزایی دارد که این موضوع می‌بایست در تحقیقات گسترده‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

انگلستان

انجمن زنان جوان مسیحی ماسکوکا (YWCA) و «مرکز تأمین درآمد زنان» در انگلستان در زمینه فراهم نمودن برنامه‌های مبتنی بر جامعه (یا اجتماع - محور) و ارتقاء تساوی زنان فعالیت می‌کنند. این مراکز برای زنان و خانواده آن‌ها در ماسکوکا فرصت‌هایی را در جهت افزایش عزت نفس و حمایت از رشد فردی فراهم می‌کنند. «برنامه زنان در کسب و کار» در سال ۲۰۰۱ با بیش از ۳۰ برنامه آموزشی برای حمایت از زنانی که به‌طور فزاینده استقلال اقتصادی خود را دنبال می‌کردند، از طریق راه‌اندازی کسب و کار، تغییر مشاغل یا پیگیری برای تحصیلات تکمیلی، هدایت شده بود (ونگلینسکی، ۱۹۹۸).

سایر مطالعات

مرکز ملی آمارهای آموزشی (۲۰۰۲)؛ مینز و اولسون (۱۹۹۵)؛ کوزما (۲۰۰۲)؛ کمیسیون اروپایی (۲۰۰۱)؛ دارلینگ و مکلوگلین^۱ (۱۹۹۶)، پیرامون آموزش فناوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان و در نتیجه افزایش توانمندسازی شغلی آن‌ها بررسی و مطالعه نموده‌اند و نتایج مشابه با تحقیقات قبلی به دست آورده‌اند.

روش طرح تحقیق:

با توجه به اینکه در این تحقیق به اثربخشی مهارت‌های شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی پرداخته می‌شود، هدف تحقیق حاضر آن را در حیطه تحقیقات بنیادی و کاربردی قرار می‌دهد. بدین ترتیب که با استفاده از حیطه تحقیقات بنیادی به افزایش دانش و کسب معلومات در زمینه عوامل مؤثر بر توانمندسازی، اقدام گردیده و سپس با بهره مندی از دانش موجود، به آموزش‌های کاربردی در حیطه توانمندسازی زنان جویای کار استان تهران پرداخته می‌شود. از این رو، هدف تحقیق حاضر آن را در حیطه تحقیقات توسعه‌ای جای می‌دهد؛ زیرا در تحقیقات توسعه‌ای هم تحقیقات بنیادی و هم تحقیقات کاربردی مطرح می‌شوند. شایان ذکر است که پژوهش حاضر در حیطه تحقیقات شبه آزمایشی جای می‌گیرد.

اهداف اصلی تحقیق:

هدف‌های اصلی تحقیق حاضر عبارتند از:

- ◆ شناسایی ویژگی‌های دموگرافیکی شهروندان زن جویای کار تهرانی.
- ◆ شناسایی سطح نیاز شهروندان زن جویای کار تهرانی به برنامه آموزش آماده‌سازی شغلی.
- ◆ شناسایی سطح نیاز شهروندان زن جویای کار تهرانی به برنامه آموزش مهارت‌های کسب و کار.
- ◆ بررسی اثربخشی آموزش آماده‌سازی شغلی بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی.
- ◆ بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی.

اهداف کاربردی تحقیق:

هدف‌های کاربردی تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

- ◆ ارائه آموزش‌های آماده‌سازی شغلی در راستای توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی.
- ◆ ارائه آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار در راستای توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی.

فرضیه‌های تحقیق:

در تحقیق حاضر پنج فرضیه اصلی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. بین اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی گروه کنترل قبل و بعد از آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار تفاوت وجود ندارد.
۲. بین اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی گروه آزمایش قبل و بعد از آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار تفاوت وجود دارد.
۳. بین اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی در دو گروه کنترل و آزمایش قبل از آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار تفاوت وجود دارد.
۴. بین اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی در دو گروه کنترل و آزمایش بعد از آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار تفاوت وجود دارد.
۵. ارتباط بین متغیرهای اطلاعات فردی و شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار با توانمندسازی وجود دارد.

متغیرهای تحقیق:

در این تحقیق با دو متغیر مستقل تحت‌عنوان آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار و یک متغیر وابسته به‌عنوان توانمندسازی سروکار داشته که هر سه متغیر کمی و پیوسته بوده و در مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری می‌شوند.

جامعه آماری:

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارتند از تمامی شهروندان زن دیپلمه، فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر جویای کار ساکن در تهران (شش ماهه دوم ۱۳۸۶) که در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال قرار دارند. لازم به ذکر است که تعداد کل جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۴۰۰۰ نفر می‌باشد و جامعه تحقیق، در حیطه جوامع محدود جای می‌گیرد.

نمونه و روش نمونه‌گیری:

در این تحقیق، ۱۰ درصد از جامعه آماری تحقیق به عنوان نمونه مدنظر قرار گرفته و حجم گروه نمونه اولیه، ۱۴۰۰ نفر محاسبه گردید. لازم به ذکر است از آن‌ها ۷۰۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند؛ بدین ترتیب که از چهار ناحیه شهر تهران (شمال، شرق، غرب و جنوب)، نمونه‌گیری به عمل آمد و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای به نسبت جامعه آماری، نمونه‌های تحقیق گزینش گردیده‌اند. بنابراین، نمونه‌های مورد نظر از ۴ مرکز کاریابی واقع در شهر تهران به‌طور تصادفی انتخاب شدند.

به عبارتی دیگر، از ۷۰۰ نفر ۳۵۴ نفر پایین‌ترین نمره (دو انحراف معیار پایین‌تر از میانگین) را در آماده‌سازی شغلی و کسب و کار به دست آوردند که از این تعداد نیز ۴ نفر در پس آزمون حضور نداشتند. در نهایت، تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان گروه نمونه تحقیق در نظر گرفته شدند که ۱۷۵ نفر به عنوان گروه آزمایش و ۱۷۵ نفر دیگر که از این توانایی‌های لازم نیز برخوردار نبودند، تحت آموزش قرار نگرفتند و به عنوان گروه کنترل مورد ملاحظه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، طبقه‌ای مرحله‌ای تصادفی می‌باشد.

برنامه‌های آموزشی اجرا شده در تحقیق حاضر:

۱- **آماده‌سازی شغلی:** برنامه آموزشی آماده‌سازی شغلی، مشتمل بر اطلاعات بازار کار، قانون کار، قانون بیمه بیکاری، رزومه نویسی، آمادگی برای حضور و برخورد مناسب در جلسه مصاحبه استخدامی ... است و طی ۱۰ جلسه ۲ ساعته جمعاً به مدت ۲۰ ساعت برای گروه آزمایش اجرا شده است.

۲- **توانمندسازی فردی و اجتماعی:** این برنامه آموزشی شامل آموزش‌های روانشناسی، شناسایی قابلیت‌ها و توانایی‌های خود (آزمودنی‌ها)، نقاط ضعف خود (آزمودنی‌ها)، چگونگی برطرف کردن نقاط ضعف، شناسایی مشکلات و مسائل خود و پیرامون خود، چگونگی

مواجهه با مشکلات و بحرانهای زندگی، چگونگی حل مسائل، چگونگی برخورداری از مهارت‌های زندگی و اجتماعی و استفاده از آن‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی و شرایط اجتماعی متنوع، می‌باشد. این دوره آموزشی طی ۱۲ جلسه ۲ ساعته مجموعاً به مدت ۲۴ ساعت برای گروه آزمایش انجام شد.

۳- توانمندسازی اقتصادی (مهارت‌های کسب و کار): این برنامه آموزشی، مواردی چون شناسایی انگیزه‌ها و علائق شغلی آزمودنی‌ها، شناسایی عادات کاری آزمودنی‌ها، تقویت قوه خلاقیت و نوآوری آن‌ها، چگونگی کسب فرصت‌های شغلی، کاری و تجاری در محیط پیرامون آن‌ها، کمک به آن‌ها برای کسب اطلاعات بازار کار، شناسایی بازارهای فروش برای تولیدات و خدمات مختلف که توسط آن‌ها انجام یا ارائه می‌شود، شناسایی مشتریان/مصرف کنندگان، چگونگی جلب رضایت مشتریان/ مصرف کنندگان و بالاخره نوشتن حداقل دو طرح کسب و کار (B.P.) را در برمی‌گیرد. این دوره آموزشی طی ۱۲ جلسه ۳ ساعته، جمعاً به مدت ۳۶ ساعت برای گروه آزمایش اجرا شد. گروه نمونه مورد بررسی (آزمایش) که جمعاً ۱۷۵ نفر بودند به ۵ گروه ۲۹ نفری و یک گروه ۳۰ نفری تقسیم شدند و آموزش‌ها هفت‌های دو مرتبه برای هر یک از گروه‌ها ارائه گردید.

یادآوری: این بسته‌های آموزشی مطابق با هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و مذهبی جامعه ایران (بویژه زنان ایرانی) تهیه و تدوین شده و علاوه بر آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و کسب و کار تأکید زیادی بر مشاغل خانگی و معرفی اینگونه مشاغل به زنان جویای کار نموده است.

ابزار اندازه‌گیری:

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از چهار پرسشنامه ذیل استفاده شده است:

۱- پرسشنامه‌های اطلاعات فردی - شغلی: این پرسشنامه در راستای جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناسی و شناسایی ماهیت گروه‌های نمونه تهیه و تدوین شده است.

۲- آماده‌سازی شغلی: روایی این پرسشنامه توسط چند تن از روانسنج‌های معتبر تأیید گردید و ضریب اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۲ برآورد شده است.

۳- مهارت‌های کسب و کار: این پرسشنامه شامل ۴ زیر مقیاس تحت عناوین: الف) انگیزه پیشرفت، ب) ارزیابی عادات کاری، ج) ارزیابی گرایش‌های کارآفرینی، د) تمایلات کسب و کار است. ضریب اعتبار این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۴ و ضریب پایایی از طریق بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش شده است (طباطبایی، ۱۳۸۴).

۴- توانمندسازی: این پرسشنامه مشتمل بر چهار خرده مقیاس: الف) بهبود مستمر بر عملکرد، ب) ارتقاء صلاحیت حرفه‌ای، ج) تغییر در رفتار، د) بهبود در عناصر است. ضریب اعتبار این پرسشنامه ۰/۸۷ محاسبه و گزارش شده است (کامکاری، ۱۳۸۵). ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه پژوهشگر ساخته می‌باشد تا بتوان اثربخشی آموزش آماده‌سازی شغلی و مهارت کسب و کار را بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی شناسایی نمود.

روش‌های آماری:

روش‌های آماری به کار گرفته شده در این تحقیق عبارتند از: (۱) آزمون t دو گروه همبسته؛ (۲) آزمون t دو گروه مستقل؛ (۳) مدل آماری MANCOVA.

یافته‌ها:

در این تحقیق، به بررسی «اثربخشی آماده‌سازی شغلی و مهارت کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان زن جویای کار تهرانی» پرداخته شده است. بنابراین، در ابتدا به توصیف ویژگی‌های دموگرافیک در نمونه‌های تحقیق (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و وضعیت

فنی و حرفه‌ای) به عنوان یافته‌های جانبی تحقیق اقدام نموده که خلاصه‌ای از آن‌ها (به صورت توزیع فراوانی و درصدی) ارائه می‌گردد. در راستای تحلیل داده‌ها و پاسخ به فرضیه‌های پژوهش، از مدل t دو گروه همبسته به منظور مقایسه دو متغیر مذکور در قبل و بعد از آموزش استفاده به عمل آمده است. در نهایت، جهت بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌های مطرح شده در دو گروه کنترل و آزمایش از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است.

یافته‌های حاصل از اطلاعات جمعیت‌شناسی گروه‌های نمونه:

ویژگی‌ها و مشخصات دموگرافیکی نمونه‌های تحقیق به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

سن: میانگین سنی اکثریت نمونه‌های تحقیق در گروه کنترل (۶۸ نفر) یعنی ۱۹/۴ درصد در دامنه سنی «۳۱ تا ۳۵ سال»، پس از آن (۵۳ نفر) یعنی ۱۵/۱ درصد «۲۶ تا ۳۰ سال» و سپس (۳۰ نفر) یعنی ۸/۶ درصد «۳۶ تا ۴۰ سال» می‌باشند. همچنین، در گروه آزمایش (۷۹ نفر) یعنی ۲۲/۶ درصد در دامنه سنی «۳۱ تا ۳۵ سال»، پس از آن (۴۳ نفر) یعنی ۱۲/۳ درصد «۲۶ تا ۳۰ سال» و سپس (۲۹ نفر) یعنی ۸/۳ درصد «۳۶ تا ۴۰ سال» می‌باشند.

تحصیلات: میزان تحصیلات اکثریت نمونه‌های تحقیق در گروه کنترل (۷۴ نفر) یعنی ۲۱/۱ درصد «دیپلم»، پس از آن (۶۰ نفر) یعنی ۱۷/۱ درصد «فوق دیپلم» و سپس (۴۱ نفر) یعنی ۱۱/۷ درصد «لیسانس به بالا» می‌باشد. همچنین، در گروه آزمایش (۸۰ نفر) یعنی ۲۲/۹ درصد دارای تحصیلات «دیپلم»، پس از آن (۵۲ نفر) یعنی ۱۴/۹ درصد «فوق دیپلم» و سپس (۴۳ نفر) یعنی ۱۲/۳ درصد «لیسانس به بالا» می‌باشند.

وضعیت تأهل: اکثریت نمونه‌های تحقیق در گروه کنترل (۵۵ نفر) یعنی ۱۵/۷ درصد «همسرشان فوت شده»، پس از آن (۴۷ نفر) یعنی ۱۳/۴ درصد «متأهل‌اند» و سپس (۳۴ نفر) یعنی ۹/۷ درصد «متارکه» کرده‌اند. همچنین، در گروه آزمایش (۴۹ نفر) یعنی ۱۴ درصد «متأهل‌اند» و (۴۹ نفر) یعنی ۱۴ درصد «متارکه» کرده‌اند، پس از آن (۴۲ نفر) یعنی ۱۲ درصد «همسرشان فوت شده» و سپس (۲۵ نفر) یعنی ۷/۱ درصد «مجرد» می‌باشند.

وضعیت اشتغال: اکثریت نمونه‌های تحقیق در گروه کنترل (۱۲۹ نفر) یعنی ۳۶/۹ درصد «بیکار» و سپس (۴۶ نفر) یعنی ۱۳/۱ درصد «شاغل موقت» می‌باشند. همچنین، در گروه آزمایش (۱۲۸ نفر) یعنی ۳۶/۶ درصد «بیکار» و سپس (۴۷ نفر) یعنی ۱۳/۴ درصد «شاغل موقت» می‌باشند.

وضعیت فنی و حرفه‌ای: از لحاظ فنی و حرفه‌ای، اکثریت نمونه‌های تحقیق در گروه کنترل (۹۹ نفر) یعنی ۲۸/۳ درصد «آموزش ندیده» و سپس (۷۶ نفر) یعنی ۲۱/۷ درصد «آموزش دیده» می‌باشند. همچنین، در گروه آزمایش (۹۳ نفر) یعنی ۲۶/۶ درصد از لحاظ فنی و حرفه‌ای «آموزش ندیده» و سپس (۸۲ نفر) یعنی ۲۳/۴ درصد «آموزش دیده» می‌باشند.

جدول ۱: t دو گروه همبسته

بررسی مقایسه‌ای «اطلاعات فردی - شغلی»، «آماده‌سازی شغلی»، «مهارت‌های کسب و کار» و «توانمندسازی» پیش آزمون و پس آزمون در گروه کنترل

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | میزان t | انحراف معیار | میانگین | سطوح | خرده مقیاس |
|---------------|------------|---------|--------------|---------|-----------|---------------------|
| ۰/۱۹۹ | ۱۷۴ | -۱/۲۹ | ۲/۵۱ | ۱۰/۹۶ | پیش آزمون | اطلاعات فردی - شغلی |
| | | | ۲/۵۴ | ۱۱/۰۲ | پس آزمون | |
| ۰/۱۰۳ | ۱۷۴ | -۱/۶۴ | ۱۱/۸۱ | ۴۴/۳۸ | پیش آزمون | آماده‌سازی شغلی |
| | | | ۱۱/۸۲ | ۴۴/۴۰ | پس آزمون | |
| ۰/۴۵۸ | ۱۷۴ | -۰/۷۴ | ۷/۰۲ | ۴۲/۴۵ | پیش آزمون | مهارت‌های کسب و کار |
| | | | ۶/۹۸ | ۴۲/۴۸ | پس آزمون | |
| ۰/۳۳۴ | ۱۷۴ | -۰/۹۶ | ۲۸/۳۸ | ۹۵/۷۴ | پیش آزمون | توانمندسازی (کل) |
| | | | ۲۲/۹۰ | ۹۷/۵۷ | پس آزمون | |

با توجه به جدول شماره ۱ و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری (در سطح $\alpha=0/05$) بین میانگین‌های اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی گروه کنترل در پیش آزمون و پس آزمون وجود ندارد. از این رو، فرضیه شماره یک تحقیق تأیید می‌شود و با رجوع به میانگین‌های گروه کنترل، عنوان می‌شود، میزان متغیرهای فوق، در پیش آزمون و پس آزمون به یک میزان است.

جدول ۲: t دو گروه همبسته

بررسی مقایسه‌ای «اطلاعات فردی - شغلی»، «آماده‌سازی شغلی»، «مهارت‌های کسب و کار» و «توانمندسازی» پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | میزان t | انحراف معیار | میانگین | سطوح | خرده مقیاس |
|---------------|------------|---------|--------------|---------|-----------|---------------------|
| ۰/۰۰۱ | ۱۷۴ | -۹/۰۸ | ۲/۹۷ | ۱۱/۲۱ | پیش آزمون | اطلاعات فردی - شغلی |
| | | | ۳/۰۴ | ۱۲/۰۹ | پس آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۱۷۴ | -۴۳/۵۷ | ۱۲/۳۸ | ۴۰/۷۴ | پیش آزمون | آماده‌سازی شغلی |
| | | | ۱۴/۴۷ | ۱۰۱/۱۵ | پس آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۱۷۴ | -۶۹/۵۸ | ۵/۶۵ | ۴۴/۷۸ | پیش آزمون | مهارت‌های کسب و کار |
| | | | ۴/۰۴ | ۸۲/۲۲ | پس آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۱۷۴ | -۲/۳۵ | ۲۹/۳۳ | ۱۰۹/۶۲ | پیش آزمون | توانمندسازی (کل) |
| | | | ۲۵/۳۳ | ۱۱۳/۱۷ | پس آزمون | |

با توجه به جدول شماره ۲ فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری (در سطح $\alpha=0/01$) بین میانگین‌های اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی گروه آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود دارد. از این‌رو، فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود و با رجوع به میانگین‌های هر دو گروه و با توجه به اینکه میانگین نمونه‌های تحقیق در پس‌آزمون بالاتر از پیش‌آزمون می‌باشد، عنوان می‌شود، آموزش، اثربخش بوده و منجر به افزایش میانگین نمونه‌ها در پس‌آزمون شده است.

جدول ۳: t دو گروه مستقل

بررسی مقایسه‌ای «اطلاعات فردی - شغلی»، «آماده‌سازی شغلی»، «مهارت‌های کسب و کار» و «توانمندسازی» نمرات پیش‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | میزان t | انحراف معیار | میانگین | سطوح | خرده مقیاس |
|---------------|------------|-----------|--------------|---------|-----------|---------------------|
| ۰/۴۰۵ | ۳۴۸ | -۰/۸۳ | ۲/۵۱ | ۱۰/۹۶ | پیش‌آزمون | اطلاعات فردی - شغلی |
| | | | ۲/۹۷ | ۱۱/۲۱ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۵ | ۳۴۸ | ۲/۸۱ | ۱۱/۸۱ | ۴۴/۳۸ | پیش‌آزمون | آماده‌سازی شغلی |
| | | | ۱۲/۳۸ | ۴۰/۷۴ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۳/۴۲ | ۷/۰۲ | ۴۲/۴۵ | پیش‌آزمون | مهارت‌های کسب و کار |
| | | | ۵/۶۵ | ۴۴/۷۸ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۴/۴۹ | ۲۸/۳۸ | ۹۵/۷۴ | پیش‌آزمون | توانمندسازی (کل) |
| | | | ۲۹/۳۳ | ۱۰۹/۶۲ | پس‌آزمون | |

با توجه به جدول شماره ۳ و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری (در سطح $\alpha=0/01$) بین میانگین‌های پیش‌آزمون آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار در کل و همچنین در حیطه تمایلات کسب و کار، توانمندسازی به‌طور کلی و همین‌طور در حیطه توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی در دو گروه کنترل و آزمایش وجود دارد. از این‌رو، فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود و با رجوع به میانگین‌های هر دو گروه، عنوان می‌شود که میانگین گروه کنترل در آماده‌سازی شغلی بالاتر از گروه آزمایش است؛ در عین حال که در گروه آزمایش میانگین‌های مهارت‌های کسب و کار، تمایلات کسب و کار، توانمندسازی (کل) و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی بالاتر از میانگین‌های گروه کنترل است و این بدان معناست که گروه آزمایش از میزان مهارت‌های کسب و کار، تمایلات کسب و کار، توانمندسازی (کل) و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردار است.

جدول شماره ۴:۴ دو گروه مستقل

بررسی مقایسه‌ای «اطلاعات فردی - شغلی»، «آماده‌سازی شغلی»، «مهارت‌های کسب و کار» و «توانمندسازی» نمرات پس‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش

| سطح معنی‌داری | درجه آزادی | میزان t | انحراف معیار | میانگین | سطوح | خرده مقیاس |
|---------------|------------|---------|--------------|---------|-----------|---------------------|
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۳/۵۶ | ۲/۵۴ | ۱۱/۰۲ | پیش‌آزمون | اطلاعات فردی - شغلی |
| | | | ۳/۰۴ | ۱۲/۰۹ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۴۰/۱۶ | ۱۱/۸۲ | ۴۴/۴۰ | پیش‌آزمون | آماده‌سازی شغلی |
| | | | ۱۴/۴۷ | ۱۰۱/۱۵ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۶۵/۱۵ | ۶/۹۸ | ۴۲/۴۸ | پیش‌آزمون | مهارت‌های کسب و کار |
| | | | ۴/۰۴ | ۸۲/۲۲ | پس‌آزمون | |
| ۰/۰۰۱ | ۳۴۸ | -۶/۰۴ | ۲۲/۹۰ | ۹۷/۵۷ | پیش‌آزمون | توانمندسازی (کل) |
| | | | ۲۵/۳۳ | ۱۱۳/۱۷ | پس‌آزمون | |

با توجه به جدول شماره ۴ و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری (در سطح $\alpha=0/01$) بین میانگین‌های پس‌آزمون اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار در کل و همچنین در حیطه‌های انگیزش پیشرفت، ارزیابی عادات کاری، گرایش‌های کارآفرینی، تمایلات کسب و کار، توانمندسازی به‌طور کلی و همین‌طور در حیطه‌های توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی در دو گروه کنترل و آزمایش وجود دارد. از این‌رو، فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود و با رجوع به میانگین‌های هر دو گروه، عنوان می‌شود که میانگین گروه آزمایش در تمامی متغیرهای مذکور بالاتر از میانگین گروه کنترل می‌باشد و این بدان معنا است که در سایه آموزش‌های ارائه شده و کسب مهارت‌های لازم گروه آزمایش از میزان اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار و توانمندسازی بالاتری نسبت به گروه کنترل برخوردار است.

جدول شماره ۵: آزمون‌های چندمتغیری مرتبط با

«اطلاعات فردی - شغلی»، «آماده‌سازی شغلی»، «مهارت‌های کسب و کار» و «توانمندسازی»

با تأکید بر دو گروه «آزمایش و کنترل»

| سطح معنی‌داری | میزان F | آزمون‌های چندمتغیری | اثرات |
|---------------|---------|---------------------|-------|
| ۰/۰۰۱ | ۸۱۶/۲۲ | ردیابی فیلی | گروه |
| ۰/۰۰۱ | ۸۱۶/۲۲ | لامبدای ویلکس | |
| ۰/۰۰۱ | ۸۱۶/۲۲ | ردیابی هاتلینگ | |
| ۰/۰۰۱ | ۸۱۶/۲۲ | بزرگترین ریشه روی | |

با توجه به جدول شماره ۵ و با استفاده از آزمون‌های چندمتغیری چهارگانه (ردیابی فیلی، لامبدای ویلکس، ردیابی هاتلینگ و بزرگترین

ریشه‌ی روی)، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای وابسته اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار (در چهار حیطة انگیزش پیشرفت، ارزیابی عادات کاری، گرایش‌های کارآفرینی و تمایلات کسب و کار) و توانمندسازی (در سه حیطة فردی، اجتماعی و اقتصادی) وجود دارد. بنابراین، فرضیه پنجم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به بررسی اثربخشی آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر شهروندان زن می‌پردازد و با توجه به اینکه توانمندسازی یکی از مهمترین ویژگی‌هایی است که می‌تواند بر اشتغال‌زایی مؤثر واقع شود، از این‌رو، تحقیق حاضر نیز در این راستا صورت گرفته و با آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار در صدد است تا اثرات آن را در توانمندسازی زنان جویای کار تعیین نماید.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ضروری است توانمندسازی شهروندان زن جویای کار با تأکید بر سه عنصر توانمندسازی فردی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی صورت گیرد تا از این طریق بتوانند به اشتغال‌زایی پرداخته و توانایی برطرف نمودن مشکلات مرتبط با کسب و کار را به دست آورند. چرا که توانمندسازی اولین قدم در راستای اشتغال‌زایی و همچنین کارآفرینی است. تحقیقات نشان می‌دهد، توانمندسازی یک ایده متداول محسوب گردیده که به‌عنوان بخشی از زبان توسعه نیروی انسانی، قادر است اشتغال‌زایی و کارآفرینی را منجر شده و با بهبود عملکرد افراد، به تثبیت نیروی انسانی کارآمد، یاری رساند (ورنر^۱، ۲۰۰۲). شایان ذکر است مطرح شود که توانمندسازی، در برخی از جوامع و بخصوص در بخش‌های دولتی با عدم موفقیت مواجه است؛ زیرا توانمندی به تولید فکر و خلاقیت و هماهنگی با این تغییرات و ابداع تغییرات نو، نیازمند است که این امر در بخش‌های دولتی کمتر امکان بروز می‌یابد؛ از این‌رو، توانمندی کمتری نیز مشاهده می‌شود.

در نهایت، عنوان می‌شود که توانمندسازی زنان جویای کار، نیازمند آموزش‌های ویژه‌ای است که در طی این آموزش‌ها بتوانند به توانایی حل مسئله، تفکر خلاقانه و... دست یابند و از این طریق بتوانند به اشتغال‌زایی و در نهایت کارآفرینی دست یابند. با بررسی یافته‌های تحقیق حاضر که از طریق مدل آماری t دو گروه همبسته، به منظور مقایسه نمرات پیش آزمون و نمرات پس آزمون، به دست آمده، می‌توان مشاهده نمود، آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار (در گروه آزمایش) مؤثر بوده و منجر به افزایش توانمندی آن‌ها شده است. یافته‌های تحقیق حاضر در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/01$) قابل تأیید است.

همچنین، از طریق مدل آماری t دو گروه مستقل که به منظور مقایسه نمرات پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش صورت گرفته است، مشخص گردید که در پیش آزمون تفاوت چندانی نیز بین دو گروه مشاهده نمی‌شود، ولی در پس آزمون نمرات گروه آزمایش بالاتر از نمرات گروه کنترل می‌باشد که این امر در نتیجه ارائه آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار است. این یافته نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha=0/01$) قابل تأیید است.

به منظور بررسی یافته‌های تکمیلی از مدل آماری *MANCOVA* استفاده شده و به اثرات آموزش‌های آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار بر توانمندسازی نمونه‌های تحقیق (در دو گروه کنترل و آزمایش) پرداخته و نمرات پیش آزمون به عنوان متغیرهای همپراش در نظر گرفته شدند. یافته‌های حاصله نشان داد که تفاوت چشمگیری بین نمرات پیش آزمون با پس آزمون در گروه آزمایش مشاهده می‌شود؛ به‌طوری که تمامی متغیرها یعنی اطلاعات فردی - شغلی، آماده‌سازی شغلی، مهارت‌های کسب و کار (انگیزش پیشرفت، ارزیابی عادات کاری، گرایش‌های کارآفرینی و تمایلات کسب و کار)، توانمندسازی شغلی (فردی، اجتماعی و اقتصادی) افزایش یافته است؛ در حالی که در گروه کنترل، تفاوت معنی‌داری بین متغیرها، مشاهده نمی‌شود.

در نهایت مطرح می‌شود که یافته‌های تحقیق حاضر با تحقیقات طباطبایی (۱۳۸۲)، پیرامون بررسی عزت نفس در زنان شاغل و بیکار سرپرست و غیرسرپرست‌خانوار و مردان شاغل و بیکار شهر تهران و در نتیجه بالا بودن عزت نفس زنان شاغل در مقایسه با زنان بیکار و بالا بودن عزت نفس زنان شاغل غیر سرپرست از زنان بیکار سرپرست‌خانوار؛ طباطبایی و حسینیان (۱۳۸۳)، پیرامون تأثیر آموزش آگاه‌سازی فردی

و شغلی و کارآفرینی بر عزت نفس و تمایلات کارآفرینی زنان سرپرست‌خانوار و در نتیجه افزایش عزت نفس زنان سرپرست‌خانوار و تمایلات کارآفرینی آن‌ها، پس از آموزش دوره‌های مزبور و تأکید بر مؤثر و مفید بودن دوره‌های آموزشی؛ سازمان سوآ - اوگاندا (۱۹۹۶)، پیرامون بررسی آموزش‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در توانمندسازی زنان کشور اوگاندا و در نتیجه افزایش توانمندسازی زنان و توسعه زنان کارآفرین؛ انجمن زنان جوان مسیحی (۲۰۰۱) با برگزاری دوره‌های کارآفرینی به توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان مسیحی؛ ونگلینسکی (۱۹۹۸)؛ مرکز ملی آمارهای آموزشی (۲۰۰۲)؛ مینز و اولسون (۱۹۹۵)؛ کوزما (۲۰۰۲)؛ کمیسیون اروپایی (۲۰۰۱)؛ دارلینگ و مکلوگلین (۱۹۹۶)، پیرامون آموزش فناوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان و در نتیجه افزایش توانمندسازی شغلی آن‌ها، هماهنگ است.

از طریق انجام تحقیق حاضر، نیازهای شغلی و حرفه‌ای شهروندان زن جویای کار تهرانی شناسایی شد و آموزش‌های مورد نیاز به آنان (آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار) ارائه شد، آموزش‌های مذکور اثرات معنادار، مثبت و مؤثری بر توانمندسازی فردی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان زن جویای کار تهرانی داشتند و توسعه و ترویج این آموزش‌ها ضروری به نظر می‌رسد، گرچه برای بررسی توانمندسازی اقتصادی شهروندان زن جویای کار نیاز به مطالعات طولی (دراز مدت) می‌باشد.

پیشنهاد‌های تحقیق:

پیشنهاد‌های تحقق حاضر به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ◆ انجام مطالعات طولی درازمدت در زمینه توانمندسازی و کارآفرینی زنان؛
- ◆ بررسی اثرات آموزش آماده‌سازی شغلی و کسب و کار بر توانمندسازی شهروندان مرد جویای کار تهرانی؛
- ◆ مقایسه توانمندسازی شغلی شهروندان زن جویای کار تهرانی که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، با زنان کارآفرین تهرانی.

منابع فارسی:

۱. احمدپورداریانی، محمود. (۱۳۸۰). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها). شرکت پردیس ۵۷، تهران.
۲. حسینیان؛ سیمین، طباطبایی؛ شهناز. (۱۳۸۴). اشتغال زنان و برنامه‌های توسعه (۱)، (۲)، (۳) و (۴)، مجموعه مقالات اولین سمینار تجلیل از زنان و معرفی زنان کارآفرین، دانشگاه شیراز.
۳. دفتر بین‌المللی کار. (۲۰۰۴). گزارش ۲۸۹ امین اجلاس هیئت مدیره، کمیته‌ی اشتغال و سیاست اجتماعی، ارتقای کار شایسته از طریق کارآفرینی. انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ژنو، مترجم: شهناز طباطبایی. (۱۳۸۵). مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۴. دفتر بین‌المللی کار. (۲۰۰۷). ارتقاء اشتغال از طریق کارآفرینی. انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ژنو، مترجم: شهناز طباطبایی، ۱۳۸۷. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۵. طباطبایی، شهناز و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) بر خودباوری زنان سرپرست خانوار «کانون مهر» به منظور آماده‌سازی آنان برای ورود به بازار کار، ماهنامه‌ی کار و جامعه، شماره ۵۶، دی ۱۳۸۳، مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۶. طباطبایی، شهناز. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی بر خودباوری و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده «شهر تهران». طرح مصوب مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۷. طباطبایی، شهناز؛ حسینیان، سیمین. (۱۳۸۴). نقش سلامت روان زنان شاغل در سلامت خانواده و تصمیم‌سازی‌های آن‌ها در خانواده، خلاصه مقالات انجمن مشاوره ایران، تهران.
۸. کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستابی، زهرا. (۱۳۸۲). «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۷.

۹. کمیسیون اروپایی تکنولوژی در فناوری اطلاعات. (۲۰۰۱). نقش تکنولوژی در فناوری اطلاعات بر ارتباطات.
۱۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۰). آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار، مرکز آمار ایران، تهران.
۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران، تهران.
۱۲. مرکز ملی آمارهای آموزشی. (۲۰۰۲). نقش فناوری اطلاعاتی (ICT) جهت افزایش توانمندی سطح علمی دانش‌آموزان در آمریکا.
۱۳. مک‌گوایر، ژوزف. (۱۹۶۲). به نقل از احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۰). کارآفرینی «تعاریف، نظریات و الگوها»، ناشر: مؤلف با همکاری شرکت پردیس ۵۷، تهران.

منابع انگلیسی:

1. Buttner, E. (1997). *Holly Women Entrepreneurs. Moring Beyond the Class Ceiling*. Dorothy P. Moore. SAGE Publications.
2. Darliag, D. & Mclanghlin, R. (1996). ICT, Novel Educational and Powerment, p: Mangement, page: 12-18.
3. Kozma, R. (2002). The Study of Use of Ratio of ICT. P: Mc Growhill, page: 30-32.
4. Means, B. & Olson, H. (1995). The Use Ratio of ICT in the American Schools, P: Mc Growhill, page: 15-18.
5. Werner, M. (2002). The Great Paradox: Responsibility without Empowerment, Business Horizons. P: Mc Growhill.
- Winglinski, A. (1998). The ICT Effect on the Empowerment of British Studentes. P: Psycho Social Magazine, Vol. 23, No. 56, page: 22-25.